

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاه و دوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 28 دی 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضری که بحثی که شروع کردیم در مورد اعتبار خبر واحد به ملاک روایات بود در دو یا سه جلسه بیان موافقین را مطرح کردیم و در جلسه قبل در مورد قول کسانی که می گفتند روایات دال بر حجیت خبر واحد ندارد بلکه روایات حجیت خبر واحد را نفی می کند صحبت کردیم.

استاد: به نظر من باید در آن 140 روایت بگردیم و ببینیم که آیا از روایات اعتبار استفاده می شود یا عدم اعتبار و بر فرض اعتبار حدودش تا کجاست؟

نکته: برای ملاحظه این روایات به جامع احادیث شیعه دوستان مراجعه کنند.

استاد: از قرآن که اعتبار حجیت خبر واحد را نتوانستیم استفاده کنیم از بنا عقلا هم به نظر می رسد نمی شود استفاده کرد؛ اجماع هم که بر حجیت و عدم حجیت داریم پس اجماع هم به درد نمی خورد پس بحث اخبار در اثبات حجیت خبر واحد بسیار مهم است.

کلام مرحوم روحانی در مورد عدم دلالت اخبار بر حجیت خبر واحد

مرحوم شیخ انصاری که بحث را مطرح کرده عموم اصولی ها کلام ایشان را پذیرفته اند اما اشخاص نادری به مخالفت با مرحوم شیخ پرداختند از جمله مخالفین می توان به مرحوم روحانی در منتقی الاصول اشاره کرد؛ ایشان معتقد است روایاتی که مرحوم شیخ انصاری در چهار طایفه مطرح کردند هیچ کدام به درد حجیت خبر واحد نمی خورد. اما اخبار علاجیه که مرحوم شیخ مطرح کرد برای فرضی است که راهکار علاج در دو خبر متعارض که حجت هستند مانند اخبار متواتر یا اخبار محفوف به قرائن را بیان کند و لذا ربطی به حجیت خبر بها هو واحد که حجیتش ثابت نیست ندارد. طایفه چهارمی که مرحوم شیخ مطرح کند مثل روایتی که می گفت کسی که 40 حدیث حفظ کند و... از کجای این اخبار حجیت خبر واحد استفاده می شود؟! این اخبار برای تحریک برای حفظ کردن آثار است و ربطی به حجیت خبر واحد ندارد. اما روایاتی که می فرمود به اشخاص خاص مثل زراره و... مراجعه کنید هم به درد حجیت خبر واحد نمی خورد. بیان مطلب: اثبات وثاقت یک شخص چند راه دارد 1: مدتی با خود راوی زندگی کنم یا حجت معصومی بگویم فلان شخص ثقه است 2: بینه بر وثاقت قیام کند 3: حسن ظاهر داشته باشد. اگر وثاقت از راه اول ثابت شود خب انسان یقین به وثاقت می کند اطمینان به تحرز از کذب پیدا می کنیم این که محل بحث نیست چرا که محل بحث خبر واحدی است که نمی دانیم راست می گوید یا نه؟

پس محل بحث جایی است که وثاقت از طریق دوم و سوم اثبات شود چرا که در این دو صورت ما یقین و اطمینان به وثاقت پیدا نمی کنیم؛ اما اخباری که می گوید به سراغ زراره بروید و.. مرادش همان قسم اول است - چرا که امام علیه السلام وثاقت شخص را تایید می کند - نه قسم دوم و سوم

اما روایاتی که می فرمود ثقات ما وقتی نقل کردند شما تشکیک نکنید و... برای جایی است که ما یقین به وثاقت داریم چرا که امام علیه السلام می فرماید ثقاتنا پس ما در مورد ثقات احتمال کذب نمی دهیم.

استاد: ایشان با یک صبر و تقسیم به این نتیجه می رسد که این روایات آنچه که ما به دنبالش هستیم را ثابت نمی کند.

اشکال دوم

مقدمه: شنیدید که می گویند خبر عدل واحد در موضوعات حجت نیست اگر عدل واحد بگوید فلان چیز نجس است یا ماه

روایت شده و... خبرش طبق قول مشهور پذیرفته نمی شود و در این حکم به روایت مصعبه بن صدقه تمسک می کنند که امام علیه السلام فرمود الاشیاء کلها علی ذلک حتی تستبین او تقوم به البینه ... امام علیه السلام نفرمود که ثقه بیاید بگوید بلکه می فرماید آشکار شود یا بینه قیام کنید. اما ما نحن فیه، یکدفعه زراره حکم امام علیه السلام را به ما بیان می کند مثلاً می گوید امام صادق فرمودند صلاه الجمعہ واجبہ اما اگر کسی با واسطه آمد قول امام علیه السلام را نقل کرد مثلاً ابن ابی عمیر آمد قول زرارہ را از امام علیہ السلام نقل کرد در این صورت اخبار زرارہ کہ حکم شرعی نیست بلکه موضوعی است برای اثبات حکم شرعی؛ پس این روایت اخبار بی واسطه را می گوید نہ با واسطه.

اشکال سوم

سلمنا کہ دلیل داشته باشیم کہ این اخباری کہ مرحوم شیخ مطرح کردند دال بر حجیت باشد اما ما در مقابل اخباری داریم کہ این اخبار را رد می کند (مانند اخباری کہ آقا مصطفی خمینی فرمود) استاد علیدوست: مضاف بر این می شود آیہ قرآن را موید گرفت کہ می فرماید در شئون خود بہ گمان و غیر علم اعتماد نکنید.

والحمد لله رب العالمین